

احزاب دولتي و جایگاه آن در تاریخ معاصر ایران

نیلوفر کسری

احزاب دولتي (دوره سوم) و ایجاد نظام تک حزبي

فکر ایجاد حزب واحد و فراگیر از سوی ایرانیان تحصیل کرده در خارج کشور به ویژه طرفداران ساموئل هانتینگتون (استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد) مطرح شد. هدف از ایجاد چنین حزبي جلوگیری از بی تفاوتی سیاسی اکثریت مردم کشور بود تا از طریق علاقمند کردن آنان به امور سیاسی مطلوب و عاملي مؤثر در جهت پیوند دولت و مردم ایجاد گردد.

بدین ترتیب تلاشهایی در جهت کسب موافقت محمدرضا شاه صورت گرفت و او را با این عنوان که از این پس با اجرای طرح نظام حزب واحد شاه رهبریت کل فعالیتهای سیاسی را برعهده خواهد گرفت، با خود هماهنگ نمود. شاه در کتاب خود (پاسخ به تاریخ) در این مورد میگوید:

ما معتقد هستیم همه مردم ایران باید برای رسیده به هدفهای ملی که سعادت و آسایش فرد فرد ما را تامین خواهد کرد متحد باشند و در يك جهت حرکت کنند، همه کوششها باید در راه پیشرفت کشور باشد. نه خنثی کردن تلاشهای یکدیگر. در نظام چند حزبي امکان تفرقه و تشتت بسیار است. هر گروه که در حزبي هستند با دیگران بر سر کسب قدرت و به دست گرفتن حکومت ستیز و دعوا دارند. هر گروه میخواهد حرفهای خودش را به کرسی بنشانند و در نتیجه اختلافات به وجود میآید. در حالی که در حزب رستاخیز از جنگ گروهی خبری نیست (۱)

بنابر این حزب رستاخیز ملی ایران به دستور شاه در یازده اسفند ۱۳۵۳ش تشکیل شد و کلیه احزاب منجمله حزب ایران نوین، حزب مردم، پان ایرانیست و ایرانیان در آن ادغام شدند. اندکی بعد کار به جایی رسید که شرکت در این حزب سیاسی، اجباری اعلام شد و شاه در سخنان خود گفت: هر کسی باید جزو این حزب بشود و تکلیف خود را روشن بکند. اگر نشد از ایران خارج شود. اگر نخواستند خارج شوند، جایشان در زندان است، و دولت اعلام نمود برای هر ایرانی که خواستار شرکت در حزب نیست پاسپورت صادر و به خارج فرستاده خواهد شد.

بدین گونه حزب رستاخیز نیز حربه‌ای در دست دولت و دیکتاتوری شد و شاه رکن چهارمی به سه رکن دیکتاتوری خود افزود (۲) و حزب دولتي به جای آنکه از قدرت و استقلال بیشتری بهره مند باشد و در فعالیتهای سیاسی نقشی چشمگیر داشته باشد عملاً به صورت یکی از ابزار اعمال قدرت حکومتی درآمد.

دبیرک لی حزب جدید در ابتدا به عهده امیرعباس هویدا نخست وزیر وقت و رئیس حزب ایران نوین نهاد شد و البته قصد شاه این بود که فعالیتهای سیاسی نخست وزیرش را نیز تحت اختیار خود بگیرد. بعدها رهبری این حزب به عهده جمشید آموزگار گذارده شد و اندکی بعد به نخست وزیری برگزیده شد. اما عملکرد جمشید آموزگار در حزب که به ایجاد جناح پیشرو انجامید خود از موانع ضعف حزب گشت و به جای آنکه حزب باعث اتحاد و یکپارگی و ثبات در جامعه

گردد، خود از عوامل اصلي تشنت آرا و ايجاد اختلاف بين رجال دولتي و دولتمردان سياسي گشت. در اين بين درگيري جناحهاي پيشرو، سازنده و ليبرال بر شدت اين جريان افزود.

حزب رستاخيز ملت ايران سه سال بعد از تشكيل به عنوان يکي از پايه هاي رژيم مورد حملات مخالفين رژيم قرار گرفت و عملکرد آن باعث تشديد نارضايتيها گشت. به طوري که در اهداف خود از جمله تحکيم رژيم و نهادي کردن سلطنت و تثبيت دولت موفق نشد و به جاي ايجاد ثبات، کل رژيم را تضعيف کرد و سلطنت را بيش از بيش از ملت جدا ساخت و معدود پيوند موجود در رژيم را از بين برد و سرانجام در پائيز ۱۳۵۷ به دستور خود رژيم برچيده شد.

۱

جناب اميرعباس هويدا دبیرکل حزب رستاخيز ملت ايران

پيرو بياناتي که در جلسه مورخ يکم آذر ماه يك هزار و سيصد و پنجاه و دو شمسي درباره تعيين تکليف آينده مملکت و همچنين وظائف احزاب ايراد کرديم اکنون که حزب رستاخيز ملت ايران تشكيل گرديده نظر خود را درباره وظائف اين حزب ابراز و ابلاغ مي‌نمائيم که انتظار ما از حزب رستاخيز ملت ايران اين است که مردم را ارشاد کند که مسئوليتها و وظائف ملي خود را در قبال نظام شاهنشاهي - قانون اساسي - انقلاب شاه و ملت به بهترين وجهي به عهده بگيرند و انجام دهند.

کاخ نياوران به تاريخ پنجم خرداد ماه يکهزار و سيصد و پنجاه و چهار

۱۳۵۴

امضا: محمدرضا پهلوي

۲

حزب رستاخيز ملت ايران تاريخ: ۲۵۳۶/۲/۱۶

دبیرکل نمره: ۱۱۴۳

دوست گرامي جناب آقاي دکتر هوشنگ نهاوندي

رئيس دفتر مخصوص علياحضرت شهبانوي ايران

با کمال خوشوقتي انتخاب شايسته آن جناب را به عضويت کميته رهبري آموزش و تبليغ حزب رستاخيز ملت ايران به آگاهي مي‌رساند.

با امتنان از اينکه دعوت ملي را پذيرفته‌اند موفقيت آن همکار ارجمند را در تحقق آرمانهاي آموزشي حزب رستاخيز ملت ايران تحت رهنمودهاي فرماندهي عالي ايران صميمانه آرزومند است.

ارادتمند دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران

محمد باهری

مهر: نمره ۸۰۹۴

۲۶/۷/۱۸

امور اختصاصی

حاشیه: آقای نادر شیراخ در پرونده اختصاصی من نگاهداری شود.

/۵/۱۸

دوره دوم احزاب دولتی

فکر ایجاد حزب دولتی در عصر پهلوی دوم، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش و ایجاد حکومت مطلقه محمدرضا شاه در ایران شکل گرفت. قصد حکومت از تشکیل چنین احزابی، در دست گرفتن نبض فعالیت‌های سیاسی جامعه و پر کردن خلاء ناشی از نبودن احزاب آزاد بود. اما این فکر تا سال ۱۳۳۵ش همچنان در اذهان باقی ماند تا اینکه به دستور شاه اسدالله علم یار دیرینه‌اش مسئول تأسیس حزب مردم گشت. این حزب در اردیبهشت ۱۳۳۶ش موجودیت خود را اعلام کرد. سران این حزب غالباً چهره‌های علمی و دانشگاهی و شخصیت‌های سیاسی و حکومتی بودند. رهبر عملی این حزب تا پایان حیات سیاسی آن اسدالله علم بود. از دیگر بنیانگذاران این حزب می‌توان از پرفسور یحیی عدل، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر موسی عمید، دکتر حسن ستوده تهرانی و دکتر احمد فرهاد نام برد.

گوشه ای از کنگره حزب مردم

۱. یحیی عدل

۲. کاظم جفرودی

۳. هلاکو رامبد

محمدرضا پهلوی به هنگام ملاقات با جمعی از اعضای کمیته مرکزی حزب مردم در سال ۱۳۵۲

یک سال بعد دومین حزب دولتی توسط نخست‌وزیر وقت منوچهر اقبال تأسیس شد (۱۳۳۷ش) اعضای این حزب بیشتر از میان وزرا، نمایندگان مجلس، مقامات وقت و رجال سیاسی اداری رژیم بودند. هیئت مؤسسه حزب از آقایان

محمود جم، عزالممالک اردلان، حاج سید اسدالله موسوی، دکتر محمدعلی هدایتی، حسام دولت‌آبادی، محمد حجازی و دکتر شاهکار تشکیل می‌شد. این هیئت ریاست و دبیرکلی حزب ملیون را به نخست‌وزیر وقت و مؤسس حزب دکتر منوچهر اقبال واگذار کردند. دکتر اقبال در اولین جلسه حزبی خود عنوان کرد که:

در دنیای امروز حکومت دموکراسی! بدون احزاب و تشکیلات اجتماعی معنی ندارد. شاهنشاه دستور فرموده‌اند که سیستم در حزب در مملکت برقرار شود. پس حزب ملیون در مقابل حزب مردم تأسیس می‌گردد.

اوج فعالیت حزبی احزاب مردم و ملیون در سال ۱۳۳۹ مقارن با انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی متجلی می‌شود. در این دوره از انتخابات تقلبات فراوان و تبایز و زد و بند بسیاری صورت گرفت. با آشکار شدن اسناد تقلبات انتخاباتی و تبایز و زد و بند حزب مردم به عنوان اقلیت و حزب ملیون به عنوان حزب اکثریت انتخابات باطل اعلام شد و هر دو حزب اعتبار خود را از دست دادند. بدین ترتیب دکتر اقبال نخست‌وزیر وقت از سوی و اسدالله علم از سوی دیگر از دبیرکلی حزب ملیون و مردم استعفا دادند. و حزب ملیون عملاً با برکناری نخست‌وزیر از میان رفت. اما حزب مردم به صورتی کمرنگ با رهبری دکتر یحیی عدل و سپس علینقی کنی، ناصر عاملی و محمد فضائلی تا سال ۱۳۵۳ در صحنه بود و در دوره ۲۱ مجلس در سال ۱۳۴۲ و ۲۲ در سال ۱۳۴۶ و بیست و سه در سال ۱۳۵۰ در رقابت با حزب ایران نوین همچنان به ایفای نقش اقلیت پرداخت.

حزب مردم در دوران حیات خود با جناح‌بندیها و اختلافات بسیاری روبه‌رو بود و سرانجام در سال ۱۳۵۳ با برقراری نظام تک حزبی از میان رفت.

کانون مترقی

این تشکیلات نه به عنوان حزب بلکه به صورت جمعیت در سال ۱۳۴۰ش توسط گروهی از جوانان طرفدار اصلاحات امریکایی و پاره‌ای از وزرا و رجال دولتی چون حسنعلی منصور و امیرعباس هویدا تشکیل گشت. و با از میان رفتن حزب ملیون در نقش حزبی در مقابل حزب مردم ظاهر شد و در انتخابات ۲۱ مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۲ش شرکت جست. تأسیس این کانون در واقع پیش درآمد حزب ایران نوین بود که یک سال و اندی بعد از این کانون توسط همین اعضا ایجاد گشت. شایان ذکر است که نمایندگان اکثریت حزب ایران نوین در مجلس اکثریت را در دست داشتند.

حزب ایران نوین

این حزب در واقع با تغییر نام کانون مترقی در آذر سال ۱۳۴۲ش به وجود آمد. حزب ایران نوین بزرگ‌ترین و ماندگارترین حزب دولتی در عصر پهلوی بود که همواره تا تأسیس نظام تک حزبی، اکثریت را در دست داشت و بیش از یک دهه در فضای خالی از فعالیت‌های حزبی به حیات خود ادامه داد. نخستین دبیرکل این حزب حسنعلی منصور بود که در اسفند ۱۳۴۲ش به نخست‌وزیری رسید. با قتل منصور معاون دبیرکل حزب ایران نوین، امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و دبیرکل حزب شد. حزب ایران نوین در انتخابات دوره ۲۲ و ۲۳ مجلس شورای ملی در سالهای ۱۳۴۶ش و ۱۳۵۰ش اکثریت را در مجلس داشت و در سال ۱۳۵۳ بزرگ‌ترین و پرتعدادترین حزبی بود که در حزب رستاخیز ادغام شد. فعالیت حزب ایران نوین بسیار وسیع بود و کمیته‌های متعددی را علاوه بر کمیته مرکزی دربرمی‌گرفت. این کمیته‌ها شامل: کمیته

اجرایی و دفتر سیاسی، سازمان جوانان، زنان، کشاورزان، کارگران، بازرگانان، سندیکاها، کارگری، اتحادیه‌های اصناف و تشکیلات وابسته دیگر بود. حزب نشریاتی نیز در سراسر کشور منتشر می‌ساخت و روزنامه ندای ایران نوین ارگان آن محسوب می‌شد. حزب ایران نوین برای آموزش کادر خود اقدام به تأسیس مدرسه عالی علوم سیاسی و امور حزبی نمود که پس از ادغام آن در حزب رستاخیز، به آن حزب متعلق گشت.

تهران - جناب آقای نخست‌وزیر رونوشت جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی رونوشت وزارت کشور، انجمن نظارت انتخابات بیستمین دوره تقنینیه شهر مراغه با رعایت بیطرفی کامل از محترمین و معتمدین تشکیل و شروع به کار نموده و مورد تأیید قاطبه اهالی شهر می‌باشد. چون آقای احمد حمیدیه در دوره گذشته بر اثر اعمال بی‌رویه و سوءاستفاده از مراغه طرد گردیده بود و اکنون نیز با تشبثات واهن می‌خواهد بار دیگر خود را به مردم مراغه تحمیل نماید لیکن در مقابل افکار عمومی شکست قطعی خود را احساس و مشاهده می‌کند که فاقد آراء مردم است ایادی و اقوام خود را با چند نفر اجیر و با طومارهای جعلی به تهران اعزام داشته و تصور می‌کند که می‌تواند حقایق را وارونه جلوه دهد. لذا مراتب عرض و استدعا دارد به اعتراضات و شکایات بی‌اساس نامبرده ترتیب اثر داده نشود تا اهالی این شهرستان با خاطری آسوده دعاگو باشند.

آرم شیرو خورشید ایستاده

شماره کتاب ۵۹۱

شماره‌های ۲۸۵۱ و ۲۸۵۲ وزارت پست و تلگراف و تلفن

جناب آقای وزیر محترم کشور رونوشت جناب آقای علم دبیرکل محترم حزب مردم رونوشت اندیشه مردم رونوشت جناب آقای فرود نماینده منفردین، رونوشت جناب آقای دکتر امیراصلان افشار، رونوشت اطلاعات به پیروی از منویات ملوکانه انتخابات شهر مراغه در نهایت آزادی و آرامش آغاز و دیروز ۳۹/۵/۱۰ اخذ آرا خاتمه یافت. متأسفانه در حین انتخابات که حزب مخالف شکست خود را قطعی می‌دانست عوامل دولتی مخصوصاً استاندار آذربایجان شرقی شروع به کارشکنی دخالت‌های غیرقانونی در امر انتخابات نموده چند دفعه وسیله تلفن فرماندار مراغه را به تبریز احصار و می‌خواستند با اعمال نفوذ و دور نمودن فرماندار از حوزه انتخاباتی خود وقفه در کار انتخابات ایجاد نمایند و چون موفق به این امر نشدند آقای احمد حمیدیه کاندیدای حزب دولتی را تحریک به ایجاد اغتشاش و اختلال نظم عمومی نمودند که بدین وسیله اوضاع را غیرعادی نشان داده و باعث توقف امر انتخابات گردند خوشبختانه هم‌سلکان ما عموم رای‌دهندگان به نفع مردم پی به دسایس مخالفین برده کوچک‌ترین عکس‌العملی نشان نداده و بدون هیچگونه زد و خورد آرا خود رای دادند اینک دیروز که اخذ آرا خاتمه یافته و مخالفین شکست خود را قطعی دانسته‌اند جناب آقای وزیر کشور بدون مجوز قانونی فرماندار مراغه را مرکز احضار عمل استخراج و قرائت آرا را متوقف نموده است اینک مراتب محض استحضار گزارش اقدام قانونی عاجلانه مورد استدعا است جریان امر به پیشگاه همایونی و مقامات دولتی نیز تلگرافاً عرض شد.

از طرف کمیته حزب مردم مراغه هاشم فروزی.

وزارت دارایی

اداره

به تاریخ ۱۳۴

شماره ۴۳۹۱۰/۲۲-۳۵۶۳۱

پیوست

کمیته تشکیلات مرکزی حزب ایران نوین

عطف به نامه شماره ۵۱۱۷-۲/۱۰/۴۲ موضوع فروش کالای دخانیه مستقیماً وسیله مؤسسه انحصار دخانیات ایران به عاملین اشعار می‌دارد.

در شهرستان‌های کشور سالها است که فروش کالای دخانیه وسیله ادارات دخانیات محل و یا دارایی‌ها انجام می‌گیرد و عاملین فروش کالای مورد مصرف اهالی را مستقیماً و بدون واسطه از ادارات مزبور تحویل گرفته و به فروش می‌رسانند.

فقط در مورد تهران که تا سال گذشته توزیع به وسیله شرکت پخش سیگار انجام می‌شد و به واسطه انقضاء مدت قرارداد لازم بود در نحوه توزیع اتخاذ تصمیم شود به رعایت سیاست دولت در سپردن کار مردم به مردم مقرر شد که عمل توزیع تهران کماکان وسیله شرکت‌های خصوصی باشد و در نتیجه انتشار آگهی مناقصه و با رعایت کامل مقررات برنده مناقصه تعیین و همان منعقد گردیده است و در حال حاضر هم شرکت مزبور مشغول توزیع کالای دخانیات تهران می‌باشد.

وزیر دارایی

سند ش : ۳۸۶۳۵

رده : ۶۸-۳۲۲-۸۹۷۵ هـ

کنگره حزب ایران نوین ردیف اول از چپ: منوچهر شاهقلی، جواد منصور، حسن زاهدی، امیرعباس هویدا، امیرقاسم معینی، ناصر یگانه، هادی هدایتی

دکتر منوچهر اقبال نخست وزیر و مصطفی الموتی به هنگام تماشای اسامی کاندیداهای حزب ملیون